حوزه؛ و پاسخ به نیازهای جدید: از نگاه حضرت آیت الله العظمی مکارم شیرازی

پیام حوزه: با تشکر از اینکه قبول زحمت فرمودید و در این مصاحبه شرکت کردید؛ پرسش نخست ما این است که حضرت عالی وضع فعلی آموزش را در حوزه، چگونه ارزیابی می کنید؛ آیا این وضعیت می تواند جوابگوی نیازهای جامعه دینی ما باشد؟

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین. ما آیین اسلام را دین راستین می دانیم و به آن باورمندیم و معتقدیم پیامبرمان خاتم انبیاست. از سوی دیگر، نظام جمهوری ما، اسلامی و وابسته به دینمان است؛ بنابراین، به دو دلیل حوزه علمیه باید پاسخگوی نیازهای مسلمانان باشد: هم به این جهت که اسلام، آیین ماست، و هم از آن روی که بنیاد نظام حاکم بر کشورمان، بر اسلام استوار است. جهت گیری تحصیلات حوزوی نیز، در واقع به سوی همین هدف است؛ این تحصیلات و درس ها برای آن است که محصلین و دانش پژوهان این مکتب، بتوانند پاسخگوی تمام مسائل دینی جامعه اسلامی، در زمینه های اجتماعی، اقتصادی، اخلاقی، معنوی و... باشند.

پیام حوزه: شما وضعیت کنونی حوزه را چگونه ارزیابی می کنید؛ کاستی ها و ضعف های اصلی حوزه کدام اند و برای جبران این کاستی ها و رفع این ضعف ها چه باید کرد؟

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: در پاسخ به این پرسش، بسیاری راه به افراط یا تفریط برده اند. بعضی، «لای نافیه» در دست گرفته و مدعی شده اند حوزه، از پیشرفت، عقب مانده است و در وضعیت مطلوب به سر نمی برد و افراد فاضل و باسواد نمی پرورد. به عقیده من، این داوری ها دور از انصاف است. حوزه های علمیه کشور ما، به ویژه حوزه علمیه قم، فعال، مفید، پربار و موفق هستند و اینکه بگوییم حوزه در عمل به رسالت خود کوتاهی کرده، یا از مسیرش منحرف شده، نظر درستی نیست. دلیل آن هم، این همه آثار علمی است که هر ساله در شاخه های گوناگون علمی، چون: فقه و اصول و تفسیر و تاریخ و شرح نهج البلاغه، منتشر می شود و بخشی از آنها هم در ردیف برترین ها جای می گیرند. اینها فراورده های علمی حوزه و بهترین گواه بر این مدعایند که حوزه علمیه در حال فعالیت مفید و بارآور است.

از سوی دیگر، این دعوی که حوزه به کمال مطلوب خود رسیده و نقصی ندارد، نیز ناپذیرفتنی و اشتباهی بزرگ است. حوزه برای رسیدن به قله موفقیت مطلوب، هنوز راه زیادی در پیش دارد. در جای خود باید بررسی شود که حوزه، در چه زمینه هایی، چه کاستی ها و کمبودهایی دارد؛ اما در مجموع باید گفت امروز کارنامه فعالیت حوزه علمیه مطلوب و مقبول است، اما عالی و برترین نیست. نقص ها و کاستی هایی در کار ما هست که باید با تلاش و کوشش، درصدد رفع آنها باشیم.

پیام حوزه: حضرت عالی درباره تخصصی شدن علوم حوزوی چه نظری دارید؟ آیا ضرورتی دارد که طلبه ها پس از گذراندن یک دوره عمومی، براساس گرایش ها و علاقه های خود، در یک رشته تخصصی تحصیل کنند؟ و آیا چنین زمینه ای در شرایط فعلی حوزه فراهم هست؟

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: حوزه به تناسب رسالت ها و وظایف گوناگون خود، نیازمند دانش های تخصصی گوناگون است؛ به همین دلیل، اخیرا شاخه های تخصصی بسیاری در برنامه درسی حوزه علمیه قم قرار داده شده که از آن جمله می توان رشته های تخصصی فقه و اصول، تفسیر، کلام، قضا و تبلیغ را نام برد. هریک از این گرایش ها، نیازمند مقدمات و زمینه های تخصصی ویژه ای است؛ طلبه ای که می خواهد مبلِّغ شود، باید به زبان های گوناگون مسلط باشد تا بتواند پیام اسلام را به همه جای جهان برساند؛ بنابراین باید طلبه هایی تربیت کنیم که بتوانند به زبان عربی، انگلیسی، که زبان گفتاری بخش های بزرگی از دنیا است- و زبان های دیگر، سخن بگویند و ایراد خطابه کنند.

نمونه دیگر اینکه، می دانید که امروزه علوم قضایی پیشرفت بسیاری کرده است؛ مثلاً برای کشف جرم، منابع جدیدی پیدا شده است؛ قضات ما باید با این پیشرفت ها آشنا شوند. حتی فقهای ما در مسائلی که جنبه کارشناسی دارد، به اطلاعات جدیدی نیاز دارند که برای به دست آوردن آنها، باید از کارشناسان و متخصصان هر رشته کمک بگیرند. برای نمونه، زنان نابارور که به حسب ظاهر، عقیم اند، امروزه به طرق مختلف و به کمک پیشرفت هایی که دانش پزشکی بدان دست یافته، می توانند باردار شوند؛ این مسئله، صورت های گوناگونی می یابد که به تازگی از حکم شرعی آنها سئوال می شود؛ فقیهی که می خواهد به این پرسش ها پاسخ گوید، باید با صورت مسئله به خوبی آشنا باشد و این آشنایی جز از طریق ارتباط با محافل کارشناسی به دست نمی آید.

نمونه دیگر از این دست، مسئله شبیه سازی است که ماهیت آن اساسابرای بسیاری نامفهوم است. مثال دیگر، مسئله مرگ مغزی و اهدای اعضای کسانی که به مرگ مغزی دچار گشته اند، به بیماران نیازمند است که امروزه اهمیت بسیاری یافته و پرسش های گوناگونی برانگیخته است؛ اینکه حقیقت مرگ مغزی چیست، و در این حالت، کجای بدن از کار می افتد و کدام بخش، زنده است و کار می کند، و آیا این اعضا، جزء مردگان است یا زندگان و... اینها همه پرسش هایی است که در مسیر بیان احکام شرعی مسائل جدید، پیش روی فقیه قرار می گیرد و از این رو، فقهای ما نیازمند توجه به این رشته های علمی، یا دست کم مشاوره با خبرگان این تخصص ها هستند.

پیدایش و گسترش ابزارهای فناوری اطلاعات مانند کامپیوتر و اینترنت نیز آفاق جدیدی از رسالت ها و فعالیت ها را پیش پای طلاب حوزه های علمیه گسترده است. طلبه ها باید با این ابزارها آشنا شوند و بتوانند به راحتی از آنها استفاده کنند و در زمینه تولید نرم افزارهای دینی و اسلامی و در عرصه سایت ها و محیط های جهانی ارتباطی، حضور فعال و ثمر بخش داشته باشند.

از سوی دیگر، امروزه شبهات تازه ای علیه بنیان های اعتقادی و مسائل کلامی، فقهی و تفسیری پیدا شده است که طلبه ها باید به آن حد از توانایی علمی برسند که بتوانند به این شبهات پاسخ دهند. اصلاً پاسخگویی به شبهات، خود یک فنّ و تخصص است که باید به صورت علمی آموزش داده شود.

به هر حال؛ اقتضائات جامعه و در نتیجه، رسالت ها و نیازهای حوزه، با گذشته تفاوت بسیاری کرده است. ما برای اینکه از قافله زمان عقب نمانیم و دین خود را در برابر دین اسلام، به طور کامل ادا کنیم، باید در جهت فراگیری دانش ها و تخصص های جدید حرکت کنیم.

پیام حوزه: از نظرگاه حضرت عالی، آموزش پژوهش محور که در آن، آموزش ها به هدف پرورش پژوهشگر، سمت و سو می یابد، چه ویژگی هایی دارد؛ و چگونه باید برنامه های آموزشی حوزه را هدایت کرد تا طلبه ها، پژوهشگر بار بیایند و به جای تکیه بر حافظه در دوران تحصیل، بیشتر از هوش خود بهره بگیرند؟

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: من معتقدم زلال دانش از دو سر چشمه آموزش و پژوهش می جوشد. در قرآن هم بر این دو امر اشاره و توصیه شده است: «فاسئلوا اهل الذکر إن کنتم لاتعلمون» و «إنّ فی خلق السموات والارض و اختلاف اللیل و النهار لآیاتٍ لاُولی الالباب». می بینیم که قرآن انسان را به پژوهش و به کار گرفتن اندیشه، و همچنین یادگیری از استاد، در توحید و خداشناسی و مسائل دیگر فرا می خواند.

پیش تر، پژوهش - هر چند به صورت کم رنگ تر- در حوزه ها بوده است. ما دوگونه مباحثه داشتیم. یکی مباحثه سنتی بود که پس از آنکه درسی را پیش استاد می خواندیم، با هم به مباحثه آن می پرداختیم که به آن مباحثه عرفی می گفتند. دیگری، مباحثه شرکتی بود که به نام بنیان گزارش، مباحثه کمپانی معروف شده بود و در آن بدون آنکه درس استادی مطرح باشد، مسئله ای طرح و محور پژوهش جمعی واقع می شد و طلبه ها پس از مطالعه درباره آن موضوع، گردهم می نشستند و آن را به مباحثه می گذاشتند. ما خود، در طول تحصیلاتمان این شیوه را در موضوعاتی چون تفسیر و فقه تجربه کرده ایم. اما امروز این شیوه ها نیازما را پاسخ نمی گوید و پژوهش باید در حوزه به صورت برنامه ریزی شده دربیاید.

امروز به نظر من، نه به تنهایی و بدون حضور استاد پژوهش کردن، ما را مستغنی می کند و نه اینکه کاملاً به استاد متکی باشیم و پای درس استاد بنشینیم و هر چه او می گوید بنویسیم و بگوییم همان درست است؛ چنین شخصی مانند شنا آموزی است که همیشه در استخر دستش را گرفته اند و در نتیجه هرگز شنا یاد نگرفته است. باید پژوهشگر، خود به طور مستقل کار کند؛ البته این بدان معنا نیست که پژوهشگر کاملاً از استاد فاصله بگیرد، بلکه باید زیر نظر استادی که راهنما و راهگشای او باشد، کار کند؛ مانند همان شیوه ای که در پایان نامه ها اعمال می شود.

البته من می پذیرم که در حوزه به پژوهش کمتر از آموزش ارزش می دهند؛ اما معتقد نیستم که حوزه باید یکسره پژوهش محور باشد؛ چون بدون حضور و راهنمایی اساتید قوی و فاضل، ممکن است دانش پژوهان در عرصه های علمی به انحراف کشیده شوند و به این سو و آن سو گرایش پیدا کنند و به نظریات شاذی برسند و در مجموع هرج و مرج علمی بر فضای حوزه حاکم شود. پژوهش ها باید در سایه حضور علمی و اساتید راهنما باشد. اما اگر افراد به پژوهش بدون راهنمایی اساتید مبرز و توانا روی آورند، مفاسدی را در پی خواهد داشت.

در مجموع باید پذیرفت که جایگاه پژوهش در حوزه پایین تر از آموزش است. ما خود، در دوران تحصیلاتمان به فعالیت های علمی و پژوهشی، بیشتر می پرداختیم. برای نمونه، زمانی که تبلیغات کمونیست ها در ایران بالا گرفت، و آنها مقابله با مذهب را با فعالیت هایی مانند انتشار کتاب های کمونیستی تشدید کردند، ماکه می دیدیم کسی نیست که در برابر این سیل ویرانگر، سینه سپر کند و به مقابله برخیزد، با گروهی از دوستانمان از جمله آقای امام موسی صدر، دکتر بهشتی، آقای آذری، آقای سیدمهدی روحانی و آقای احمدی میانجی، جلسه ای پژوهشی تشکیل دادیم و تصمیم گرفتیم نخست آثار آنان را بخوانیم، از این رو کتاب کاپیتال مارکس و چند کتاب دیگر را مطالعه کردیم و سپس در حلقه علمی خودمان به بحث و بررسی و نقد مبانی علمی آنها پرداختیم.

مانند همین کار را در تفسیر با گروهی از دوستان انجام دادیم که جلسات آن سالیان دراز طول کشید، و همین طور در مسائل فقهی این گونه فعالیت های پژوهشی متأسفانه در برنامه علمی حوزه جایی ندارد و می توان گفت نظام آموزشی حوزه با لذات آموزش، محور است. البته به تازگی کارهایی برای پررنگ کردن پژوهش در حوزه انجام شده و الزاماتی برای طلاب در نظر گرفته شده که آنها را وادار به پژوهش و نوشتن کتاب و پایان نامه می کند. اینها خوب است ولی نباید به این حد بسنده کرد و باید برنامه ریزی های دقیق تری برای آینده داشته باشیم.

این نکته را هم بیفزایم که چنین نیست که نظام آموزشی ما به طور کامل، متکی به حافظه باشد؛ یکی از رسم هایی که همیشه در جلسات درسی ما بوده، همان اشکالاتی است که شاگردان در اثنای درس به گفته های استاد وارد می سازند. این پرسش و پاسخ و برخورد اندیشه ها، در حقیقت، نوعی فعالیت پژوهشی میان استاد و شاگرد است. هنگامی که طلبه ای پای درس استادی می نشیند، با تکیه بر هوش و فعالیت ذهنی خود،با دقت به سخنان استاد گوش فرا می دهد تااگر به نکته دارای اشکالی برخورد کرد، تذکر دهد و هنگامی که اشکالی را مطرح می کند از قوای ذهنی و استعداد فکری حوزه، بهره می گیرد، و همچنین است استاد، زمانی که اشکال شاگرد خود را دفع می کند و با او به مناظره می پردازد. مباحثه میان طلاب نیز فعالیتی علمی است که در آن هوش و استعداد علمی فرد، به کار گرفته می شود.

پیام حوزه: با توجه به اینکه امروزه طلاب، مانند سابق، فرصت زیادی در اختیار ندارند و از روی اجبار، و به اقتضای نیازهای جامعه، وارد عرصه های فعالیت اجتماعی می شوند، حضرت عالی و ضعیت فعلی آموزش را در حوزه ها - که بر فقه و اصول بیشتر تأکید می کند - متناسب با نیاز روز جامعه می دانید و آیا اصولاً با تخصصی شدن علوم حوزوی، به ویژه در زمینه فقه موافقید؟

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: دنیای امروز ما، جهان تخصص هاست. در این دنیا، نمی شود یک نفر، جامع منقول و معقول باشد. باید دانش ها تخصصی شوند. در این جریان تخصص گرایی در حوزه ها، فقه باید محور باشد، علوم جنبی مقدمه و زمینه هستند. این گرایش ها و تخصص ها به تدریج تعیین می شوند و در طول تحصیلات اصلی و محوری، براساس علاقه فرد، منشعب می شوند.

ما در رشته های گوناگون به افراد متخصص نیازمندیم. به مرحوم بلاغی ها نیاز داریم که متخصص در مذاهب دنیا بود؛ به حاج آقا بزرگ تهرانی نیازمندیم که در نجف متخصص در حدیث بود. این گزینش گرایش های تخصصی، پیش تر به صورت خودجوش بود؛ اما امروز باید به صورت سازماندهی شده باشد و هر کسی براساس ذوق و استعداد خود، وارد یک شاخه تخصصی بشود. اما در همه این برنامه ها این اصل را نباید از یاد برد که فقه باید محور و پایه همه گرایش های تخصصی باشد. چون فقه، با امور روزمره مردم سروکار دارد که بدون آن، نیازهای دینی مردم برآورده نمی شود، همه مردم مسائل مبتلابه را هر روز لازم دارند، اما شبهات فلسفی و مسائل کلامی برای همه مطرح نیست، تنها مسئله گروه خاصی است. مردم شب و روز در تمام امور دینی خود، در نمازشان، در تجارتشان، در معاشرتشان و در همه امور زندگی شان، نیازمند فقه اند؛ از این رو، نباید مسائل فقهی نسبت به مسائل دیگر کم رنگ شود یا در کنار آنها به کلی رنگ ببازد.

مسئله دیگر این است که اگر به فقه و دانش های مرتبط با آن، بی توجهی بشود، حوزه متهم به بی سوادی می شود. ما در هر رشته، حدود پنجاه نفر متخصص لازم داریم که در زمینه تخصصی خود نخبه باشند و بتوانند نیازها را بر آورند و به پرسش ها پاسخ گویند.

پیام حوزه: بعضی ها معتقدند علومی مانند فقه، قابل تخصص و تفکیک نیستند، و یک نفر که در باب صلوة مجتهد است، باید در باب طهارت هم مجتهد باشد. نظر شما در این باره چیست؟

حضرت آیت الله مکارم شیرازی: پاسخ نقضی این ادعا این است که جهان آفرینش، کلی و یکپارچه است که همه اجزا و بخش های آن به هم مرتبط اند؛ شناخت این مجموعه، تنها از طریق تقسیم حوزه های شناخت به موضوعات بسیار ریز و در قالب رشته های تخصصی مانند گیاه شناسی، حیوان شناسی، فیزیک، شیمی و گرایش های تخصصی تر آنها حاصل می آید. یا اگر بدن انسان را در نظر بگیرید، مجموعه ای کاملاً منسجم و به هم پیوسته است؛ اما هیچ کس نمی تواند در شناخت همه اجزای بدن و کارکردهای آنها به تخصص برسد، باید یکی متخصص چشم بشود، دیگری متخصص گوش و... پیوند اسلام و دانش های اسلامی بیشتر از پیوستگی حاکم بر جهان آفرینش یا بدن انسان نیست؛ از این رو، اسلام و احکام فقهی را نیز می توان به صورت تخصصی و به تفکیک از هم مطالعه کرد.

جواب حلی هم این است که همان گونه که متخصصان فیزیولوژی و پزشکی، اطلاعاتی عمومی از سایر بخش ها و اجزای بدن به دست می آورند، و چنان نیست که مثلاً متخصص چشم ازکار قلب و ریه و عروق و اعصاب کاملاً بی اطلاع باشد، بلکه این متخصصان پس از آشنایی با کلیات دانش پزشکی وارد شاخه ای تخصصی می شوند؛ در فقه و حوزه احکام اسلامی نیز همین امر جاری است؛ یعنی فقه اسلامی مانند خانه ای است که ابتدا نگاهی کلی و اجمالی به آن می اندازند و سپس در یک بخش جزئی شروع به کار می کنند.

پیام حوزه: از اینکه وقت گرانقدر خود را در اختیار ما نهادید، تشکر می کنیم.